



### بسم الله الرحمن الرحيم

بحث در طرق ثبوت هلال ماه بود صاحب عروه طرقي برای ثبوت هلال ذکر کردند که عبارت بودند از اینکه اول؛ فرد خودش به شخصه هلال را ببیند دوم؛ اینکه به تواتر ثابت شود سوم؛ شیاعی که موجب علم شود (نه ظن) چهارم؛ بینة ی شرعیة پنجم؛ اینکه از اول رمضان یا شعبان سی روز بگذرد و ششم؛ در مورد حکم حاکم بود. بعد گفتیم که با قول منجمین نمی شود هلال را ثابت کرد زیرا قول آنها مفید ظن است و ما باید تابع علم باشیم، در اخبار ما دو چیز معیار قرار داده شده است یکی رؤیت است و دیگر مزی سی روز از اول شعبان یا رمضان برای ثبوت هلال ماه بعد.

صاحب عروة اضافه می کند که؛ و لا بغیوبة الشفق فی الیلة الأخری. شفق همان سرخی ای است که بعد از غروب خورشید در طرف مغرب دیده می شود، اگر شب اول ماه باشد ماه زودتر از شفق غروب می کند و اگر شب بعد باشد شفق زودتر از ماه محو می شود حال صاحب عروه می فرماید؛ اگر شفق زائل شد و هنوز ماه وجود دارد این دلیل نمی شود که امشب شب دوم ماه است و دیشب شب اول بوده است البته همان طور که واضح است عبارت صاحب عروه در کلام بالا ناقص است و محشین هم به این امر تذکر داده اند. به هر حال صدوق در مقنعه راه مزبور را طریقی برای ثبوت هلال بر می شمارد و می فرماید؛ و اعلم أن الهلال إذا غاب قبل الشفق فهو لليلة و إذا غاب بعد الشفق فهو لليلتين، و ظاهرا صدوق علیه الرحمه به خبر ۳ از باب ۹ از ابواب احکام شهر رمضان استناد کرده است، خبر این است: « بِإِسْنَادِهِ (شیخ طوسی) عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ (صاحب کتابی است و از روایت طبقه ی ششم می باشد) عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ إِسْمَاعِيلِ بْنِ الْحَرِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ إِذَا غَابَ الْهَيْلَالُ قَبْلَ الشَّفَقِ فَهُوَ لِلَيْلَةٍ (شب اول است) وَإِذَا غَابَ بَعْدَ الشَّفَقِ فَهُوَ لِلَيْلَتَيْنِ (شب دوم می باشد) ». در اسماعیل بحث است که آیا پدر او حر

است یا حسن، به هر حال هر کدام که باشد او مجهول الحال است و توثیق نشده است از این رو خبر مزبور هم سندا ضعیف است و هم مورد عمل اصحاب نیست. صاحب وسائل این خبر را از طریق دیگری هم نقل می کند و می فرماید؛ « وَ رَوَاهُ الْكَلْبِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ جَمِيعاً عَنْ سَعْدِ بْنِ سَعْدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنِ الصَّلْتِ الْخَزَّازِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) ». در این سند نیز صلت الخزاز توثیق نشده است. و طریق دیگر اینکه؛ « وَ رَوَاهُ الْكَلْبِيُّ أَيْضاً عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى وَ رَوَاهُ الصَّدُوقُ بِإِسْنَادِهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى ». این دو سند هم به اسماعیل بن حر بر می گردد که توثیق نشده است. مضافاً بر آنچه گذشت خبر مزبور معارض هم دارد یعنی خبر ۱ از همین باب ۹، خبر این است: « مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ (او از مشایخ است و معتبر و موثق می باشد) عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّفَّارِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى (ابن عبید یغظینی) عَنْ أَبِي عَلِيٍّ بْنِ رَاشِدٍ (او فرد بلند مقامی است و از وکلای امام هادی علیه السلام می باشد) قَالَ كَتَبَ إِلَيَّ أَبُو الْحَسَنِ الْعَسْكَرِيُّ ع كِتَابًا وَ أَرْخَهُ (تاریخ آن روز را هم برایش نوشت) يَوْمَ الثَّلَاثَاءِ لِلَيْلَةِ بَقِيَّتْ مِنْ شَعْبَانَ (یک شب مانده بود به آخر ماه شعبان) وَ ذَلِكَ فِي سَنَةِ اثْنَتَيْنِ وَ ثَلَاثِينَ وَ مَائَتَيْنِ وَ كَانَ يَوْمَ الْأَرْبَعَاءِ يَوْمَ شَكٍّ (که معلوم نبود آخر شعبان است یا اول روز رمضان) وَ صَامَ أَهْلُ بَغْدَادَ يَوْمَ الْخَمِيسِ وَ أَخْبَرُونِي (که مردم دو جور روزه گرفتند مردم بغداد گفتند) أَنَّهُمْ رَأَوْا الْهَيْلَالَ لَيْلَةَ الْخَمِيسِ وَ لَمْ يَغِبْ إِلَّا بَعْدَ الشَّفَقِ بَرَمَانَ طَوِيلٍ (چون ماه بلند بود و شفق زائل شد ولی ماه هنوز در آسمان بود) قَالَ فَاعْتَدْتُ أَنَّ الصَّوْمَ يَوْمَ الْخَمِيسِ وَ أَنَّ الشَّهْرَ كَانَ عِنْدَنَا بِبَغْدَادَ يَوْمَ الْأَرْبَعَاءِ (یعنی چهارشنبه را از شعبان حساب کردیم) قَالَ: (امام علیه السلام) فَكَتَبَ إِلَيَّ زَادَكَ اللَّهُ تَوْفِيقًا فَقَدْ صُمْتُ بِصِيَامِنَا (ما هم همین طور روزه گرفتیم و روز پنج شنبه روزه گرفتیم نه چهارشنبه) قَالَ ثُمَّ لَقِيتُهُ (امام علیه السلام را) بَعْدَ ذَلِكَ فَسَأَلْتُهُ عَمَّا كَتَبْتُ بِهِ إِلَيْهِ فَقَالَ لِي أَوْ لَمْ أَكْتُبْ إِلَيْكَ إِنَّمَا صُمْتُ الْخَمِيسَ وَ لَا تَصُمْ إِلَّا لِلرُّؤْيَا ». سند روایت فوق صحیح است و همانطور که می بینید در این خبر به صراحت گفته شده هر چند روز پنج شنبه ماه بلند بود و چه بسا علامت این بود که دیروز اول ماه بوده است ولی امام علیه السلام فرمود؛ من همان روز پنج شنبه روزه را شروع کردم از این رو بلند بودن ماه

حساب می کنیم) ، اما صاحب جواهر در جلد ۱۷ ص ۳۴۸ می فرماید ؛ و کذا لا عبرة بعد خمسة أيام من أول الهلال في السنة الماضية و صوم يوم الخميس و إن كان موافقا للعادة بل في المحكى عن عجائب المخلوقات للقزويني قد امتحنوا ذلك خمسين سنة فكان صحيحا .

البته موارد دیگری هم برای شناخت اول ماه ذکر کرده اند که از جمله آنها تطوق می باشد که به خبر ۲ از باب ۹ از ابواب احکام شهر رمضان استدلال کرده اند ، خبر این است : « عَنْ سَعْدِ عَنِ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُرَازِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ إِذَا تَطَوَّقَ الْهَيْلَالُ فَهُوَ لِلْيَلْتِنِ وَإِذَا رَأَيْتَ ظِلَّ رَأْسِكَ فِيهِ فَهُوَ لِثَلَاثٍ » . یعنی اگر ماه تطوق داشت و اگر آنقدر بلند بود که سایه ی خودت را دیدی (حتی اگر سایه ی سرت را هم دیدی) آن علامت این است که شب سوم است . به هر حال مشهور از عمل به این گونه روایات اعراض کرده اند. بقیه بحث بماند برای جلسه بعد . . . .

و الحمد لله رب العالمين اولاً و آخراً و صلى الله على

محمد و آله الطاهرين

دلیل بر ثبوت هلال در شب قبل نمی باشد و ماه فقط با رؤیت ثابت می شود بعلاوه این خبر سنداً صحیح است و مشهور هم مطابق آن عمل کرده اند از این رو این روایت مقدم بر روایتی است که صدوق به آن استناد کرده است .

صاحب عروة در ادامه بحث می فرماید ؛ و لا برؤيته يوم الثلاثين قبل الزوال فلا يحكم بذلك اليوم أول الشهر . گفته شده است که اگر ماه پیش از ظهر دیده شود علامت این است که امروز اول ماه بعد و روز عید است و اگر بعد از ظهر رؤیت شود علامت این است که در پایان روز شب که شود ماه تمام خواهد شد ، در این مورد بحث های بسیاری شده است ولی آیه الله خوئی می فرماید ؛ تا به حال نشنیده و ندیده ایم ماه قبل از ظهر هم رؤیت شده باشد و صاحب جواهر نیز در جلد ۱۷ ص ۳۴۴ می فرماید ؛ و قد بان لك من ذلك كله انه لا يليق بالفقيه العارف بقواعد الفقه و لسانه الركون إلى هذه النصوص ، بنابراین چونکه این فرض اصلاً محقق نمی شود لذا ما در باره آن بحث نمی کنیم . خوب و اما صاحب وسائل نیز در مقابل این قول ( که ماه رمضان همیشه سی روز است و ماه شعبان همیشه بیست و نه روز می باشد ) در باب ۵ از ابواب احکام شهر رمضان ۳۷ خبر نقل می کند که دلالت دارند بر اینکه ماه رمضان و شعبان هم مانند بقیه ی ماه ها هستند و کم و زیاد می شوند ، مثلاً در روایت اول از این باب ۵ آمده است : « مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ أَبِي غَالِبِ الزُّرَّارِيِّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ أَبَانَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَبَلَةَ عَنْ عَلَاءَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَحَدِهِمَا يَعْنِي أَبَا جَعْفَرٍ وَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ شَهْرُ رَمَضَانَ يُصِيبُهُ مَا يُصِيبُ الشُّهُورَ مِنَ النُّقْصَانِ فَإِذَا صُمَّتْ تِسْعَةٌ وَعِشْرِينَ يَوْمًا ثُمَّ تَغِيَمَّتِ السَّمَاءُ فَأَتَمَّتْ الْعِدَّةَ ثَلَاثِينَ » . علامه نیز در منتهی این روایات را ذکر کرده است و مورد بررسی قرار داده است . بعضی از علماء گفته اند که به ماه رمضان پارسال نگاه می کنیم و می بینیم که ماه رمضان در کدام روز هفته بوده است بعد از همان روز پنج روز حساب می کنیم و ماه رمضان سال بعد همان روز خواهد بود مثلاً اگر سال گذشته ماه رمضان روز پنجشنبه بوده است در سال بعد ماه رمضان در روز دو شنبه خواهد بود (خود پنجشنبه را هم